

۳
افقاهرم جدید ایران
گزارش گاردین از شریان اینترنت جهانی۳
جهانصف آرای غرب علیه ایران
حمایت ۲۹ کشور از انگلستان مقابل ایران۴
کافهمترجم دزدی
پشت پرده نشر ایران۷
کوچههزاران درخت خشک
سرنوشت تلخ پارک جنگلی چیتگر

نفوذ جلیلی

سعید جلیلی از بازداشت حمید رسایی انتقاد کرد

۲
سیاست

یادداشت روز

دوپرسش از شهردار تهران

زاکانی باید درباره مبنای قانونی طرح‌هایش پاسخ دهد

سیدحسین رسولی

عضو شورای پنجم شهر تهران



آقای دکتر زاکانی اخیراً دو موضوع را مطرح کرده‌اند: نخست، تحقق تورم صفر درصدی برای چند قلم از اقلام سفره غذایی مردم تهران و دوم، ساخت مسکن استیجاری با هدف رسیدگی به مشکلات مستأجران. به تعبیر خود ایشان ۵۱ درصد خانوارهای تهرانی مستأجر هستند؛ رقمی که اهمیت پرداختن به مسئله مسکن و دشواری‌های زندگی مستأجران را آشکار می‌کند. در اینکه مسکن، معیشت و تورم از مسائل اساسی مبتلا به کشور هستند، تردیدی وجود ندارد. در شرایط بغرنج اقتصادی امروز، که پیش‌بینی می‌شود نرخ رشد اقتصادی به منفی ۱۲ تا ۱۳ درصد برسد، تورم مواد غذایی عمده‌تر سهرقی شده و متوسط تورم نزدیک به ۹۰ درصد است، طبیعی است که گرانی مسکن و اقلام مورد نیاز خانوار در صدر مسائل اجتماعی قرار گیرد. بنابراین اصل اهمیت این مسائل و ضرورت توجه به فشار اقتصادی وارد بر مردم، محل تردید نیست. با این حال درباره ایده‌های مطرح شده، دو پرسش اساسی وجود دارد که پاسخ طراحان این ایده‌ها و شخص شهردار به آنها می‌تواند به تدویر افکار عمومی کمک کند و مبنای روشن‌تری برای ارزیابی این پیشنهادها فراهم آورد. پرسش نخست به میزان اثربخشی این طرح‌ها بازمی‌گردد. فرض کنیم در مورد چند قلم کالای اساسی با طراحی سازوکاری برای ارائه یارانه پنهان، قیمت این کالاها در یک بازه زمانی چند ماهه ثابت بماند و طرح اعلام شده، تحقق پیدا کند. آیا چنین اقدامی به‌معنای کاهش قابل‌توجه فشار اقتصادی بر گروه‌های کم‌درآمد و دهک‌های زیر خط فقر و فقر نسبی خواهد بود؟ آیا ثابت نگه داشتن قیمت چند قلم کالا می‌تواند در وضعیت معیشتی این خانوارها، تغییری محسوس ایجاد کند؟ به نظر من این پرسشی است که باید به‌سرعت پاسخ داده شود و پاسخ آن نیز از سوی متخصصان اقتصادی و اجتماعی مورد ارزیابی و اعتبارسنجی قرار گیرد. صرف اعلام یک طرح، حتی با هدف کمک به معیشت مردم، پاسخ روشنی به پرسش درباره میزان تأثیر آن بر زندگی خانوارهای گرفتار فشار اقتصادی نمی‌دهد. گرانی، تورم، بیکاری، فقر و افزایش قیمت مسکن و اجاره‌بها، متغیرهایی جدا از یکدیگر نیستند. این عوامل به یکدیگر پیوند دارند، بر هم اثر می‌گذارند و پیامدهای آنها به‌صورت ترکیبی در زندگی مردم ظاهر می‌شود. از این‌رو پرسش این است که آیا ارائه چنین طرح‌هایی با توجه به این پیوستگی و تأثیرات متقابل، اساساً در کاهش آلام عمومی مردم مؤثر خواهد بود؟ پرسش دوم به حدود وظایف و اختیارات قانونی شهرداری مربوط می‌شود. فرض کنیم این طرح‌ها مؤثر تشخیص داده شوند؛ فرض محال که محال نیست. آیا شهرداری، با توجه به ۶ مأموریت قانونی تعریف شده برای آن اساساً مجاز به ورود به چنین عرصه‌هایی است؟ به باور من، پاسخ به این دو پرسش، امکان اظهار نظر دقیق‌تر درباره انگیزه ورود آقای شهردار به این حوزه‌ها را فراهم می‌کند. افزون بر این همچنان که پیش‌تر نیز گفته‌ام به نظر من تداوم مدیریت شهرداران کنونی و ادامه فعالیت شوراهای اسلامی شهرها و روستاهای کشور کاملاً خلاف قانون است. این استدلال که چون شورای عالی امنیت ملی در شرایط جنگ تصویب کرده است انتخابات برگزار نشود، شوراهایی که برای چهار سال انتخاب شده‌اند و دوره چهارساله آنها عملاً پایان یافته همچنان اختیار دخل و تصرف در امور شهرها و روستاها را دارند از نظر من فاقد مبنای قانونی و استدلال مجاب‌کننده است. به اعتقاد من، در چنین شرایطی، حسب مواد ۱۲۶ و ۱۲۷ قانون شوراها، وزیر کشور باید قائم‌مقام شوراهای اسلامی شهر باشد. بنابراین مسئله صرفاً این نیست که شهرداران و شوراها به مأموریت‌های اصلی مدیریت شهری و روستایی وارد می‌شوند یا از حدود آن فراتر می‌روند. پیش از ارزیابی این اقدامات، اصل تداوم فعالیت شوراهای اسلامی این دوره و شهرداران و دهیاران منتخب آنها به لحاظ قانونی با پرسشی اساسی روبه‌روست؛ پرسشی که در کنار بحث اثربخشی طرح‌های معیشتی و حدود مأموریت‌های شهرداری باید پاسخی روشن و مستدل دریافت کند.

سفره مردم
در خط مقدم

محمدباقر قالیباف، در جمع برخی از مدیران اقتصادی گفت:

برای ۶ ماه آینده باید برنامه‌ریزی کرده و شرایط را مدیریت کنیم

تصمیم‌ها باید به‌گونه‌ای گرفته شود که سفره مردم کمترین آسیب را از جنگ و تحریم ببیند

سازندگی به این موضوع پرداخته که آیا وعده قالیباف عملی می‌شود؟



سعید خوش‌بین

گروه اقتصاد

رئیس مجلس شورای اسلامی در نشست مشترک جمعی از وزرا، مسئولان ارشد اقتصادی دولت و رؤسای کمیسیون‌های مجلس گفت: معیشت مردم باید آخرین حوزه‌ای باشد که از فشار جنگ و تحریم آسیب می‌بیند و نخستین آثار مثبت تصمیم‌های مدیریتی نیز باید بر سفره مردم نمایان شود. او ارتقای سطح معیشت مردم و نیروهای مسلح را دو اولویت مهم در تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دانست.

در این نشست شماری از نمایندگان مجلس و مدیران ارشد اقتصادی دولت حضور داشتند و درباره موضوعاتی نظیر طرح کالا، برگ، تأمین معیشت مردم و نیروهای مسلح، وضعیت تولیدات کشاورزی و دامی، تأمین نهاده‌های تولید، رشد سرمایه‌گذاری و اقتصاد، جریان خسارت‌های جنگ و دیگر مسائل مرتبط با حوزه مسئولیت خود بحث و تبادل‌نظر کردند. محمدباقر قالیباف در این نشست با تأکید بر ضرورت شکل‌گیری فهم مشترک میان دولت و مجلس از شرایط اقتصادی کشور گفت: «مهم‌ترین نکته‌ای که باید به آن توجه داشته باشیم، ضرورت هم‌فکری و داشتن فهم مشترک از وضعیت موجود و شرایط پیش‌روست». او با اشاره به پایان ۶ ماه نخست سال افزود: «اکنون تجربه این دوره در اختیار ماست و باید با ارزیابی دقیق اتفاقات گذشته برای ۶ ماه آینده برنامه‌ریزی کنیم. دولت، مجلس و دیگر نهادها در حال تلاش برای مدیریت شرایط هستند اما تصمیم‌گیری‌ها باید بر پایه ارزیابی دقیق‌تر وضعیت انجام شود».

| ادامه در صفحه ۶





دولت

ترمیم در تعلیق

سخنگوی دولت: پزشکیان
تصمیمی برای تغییر اعضای کابینه ندارد

گروه سیاسی: بحث ترمیم کابینه در روزهایی که فشارهای اقتصادی و انتقاد از عملکرد برخی وزارتخانه‌ها ادامه دارد، دوباره به یکی از موضوعات مورد توجه در فضای سیاسی تبدیل شده است. از یک‌سو گروهی از نمایندگان خواهان تغییر در ترکیب مدیریتی دولت، به‌ویژه در بخش اقتصادی، هستند و از سوی دیگر، دولت بر این تأکید دارد که تغییر افراد لزوماً به حل مشکلات منجر نمی‌شود. در چنین فضایی اظهارات تازه فاطمه مهاجرانی، سخنگوی دولت، بار دیگر موضع پاستور را روشن کرده است: دست‌کم تا این لحظه تصمیمی برای تغییر اعضای کابینه اعلام نشده است.

مهاجرانی روز گذشته در نشست خبری خود در پاسخ به پرسشی درباره احتمال تغییر اعضای کابینه، به‌ویژه تیم اقتصادی، و تأثیر استیضاح‌های مطرح شده در مجلس بر تصمیم دولت گفت که تشخیص تغییرات بر عهده شخص رئیس‌جمهوری است. به گفته او، پزشکیان باید درباره رضایت از عملکرد اعضای کابینه و ادامه همکاری با آنان تصمیم بگیرد. سخنگوی دولت در عین حال تأکید کرد که رئیس‌جمهوری تاکنون تصمیمی برای تغییر اعضای دولت اعلام نکرده است.

این موضع در شرایطی بیان می‌شود که بحث ترمیم کابینه دیگر صرفاً به گمانه‌زنی درباره جابه‌جایی وزیران محدود نیست و به ارزیابی عملکرد دولت در مواجهه با مشکلات اقتصادی گره خورده است. منتقدان می‌گویند، ادامه فشار بر معیشت خانوارها، نوسان‌های اقتصادی و نگرانی از آینده بازارها ضرورت بازنگری در شیوه اداره بخش اقتصادی دولت را جدی‌تر کرده است. در مقابل، دولت تأکید دارد که باید میان تغییر مدیران و اصلاح سیاست‌ها تفاوت قائل شود؛ چراکه جابه‌جایی افراد بدون تغییر در رویکردها و سازوکارهای تصمیم‌گیری، تضمینی برای بهبود شرایط نیست.

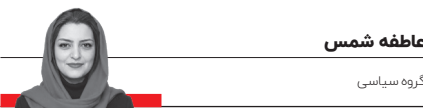
مهاجرانی نیز در توضیح همین نگاه به فشارهای انباشته گذشته و تشدید محدودیت‌های اقتصادی در سال اخیر اشاره کرد و گفت، رئیس‌جمهوری بارها بر ضرورت شناسایی ریشه مشکلات تأکید داشته است. او تحریرها را از عواملی دانست که مسیر اداره کشور را دشوار کرده‌اند و افزود، دولت تلاش می‌کند مانع انتقال فشارهای اقتصادی به سفره مردم شود. از نگاه سخنگوی دولت، مسئله اصلی این است که در شرایط موجود، بهترین عملکرد ممکن رقم بخورد؛ نه اینکه تغییر افراد به‌عنوان راه‌حلی مستقل و کافی در نظر گرفته شود.

با این حال، تأکید بر دشواری شرایط اقتصادی توانسته مطالبه پاسخ‌گویی از اعضای کابینه را کنار بزند. در مجلس انتقادات از عملکرد برخی بخش‌های اقتصادی دولت ادامه دارد و شماری از نمایندگان معتقدند، دولت باید پیش از آنکه اختلاف‌نظرها به تقابل جدی‌تر با مجلس تبدیل شود، درباره اصلاح ترکیب مدیریتی خود تصمیم بگیرد.

در سوی دیگر، تجربه استیضاح و تغییر وزیران نیز این پرسش را مطرح می‌کند که آیا تغییر یک یا چند عضو کابینه می‌تواند به‌تنهایی انتظارات جامعه و نمایندگان را پاسخ دهد؟ منتقدان تغییرات شتاب‌زده ممکن است بر ضرورت ثبات مدیریتی و فرصت دادن به برنامه‌های دولت تأکید کنند؛ در مقابل، موافقان ترمیم کابینه معتقدند اگر عملکرد یک بخش با انتظارات و وعده‌های اعلام شده فاصله داشته باشد، حفظ وضع موجود نیز نمی‌تواند صرفاً با استناد به دشواری شرایط توجیه شود. در واقع، اختلاف اصلی بر سر اصل اختیار رئیس‌جمهوری برای تغییر وزیران نیست؛ مهاجرانی هم صریحاً این اختیار را متعلق به پزشکیان دانسته است. مسئله این است که چه زمانی ادامه همکاری با مدیران فعلی به‌معنای حفظ ثبات خواهد بود و چه زمانی بازنگری در ترکیب کابینه می‌تواند به بخشی از پاسخ دولت به مطالبات عمومی تبدیل شود. این پرسش به‌ویژه درباره تیم اقتصادی اهمیت دارد؛ بخشی که تصمیم‌ها و عملکرد آن، بیش از بسیاری از حوزه‌های دیگر، در زندگی روزمره مردم بازتاب پیدا می‌کند. فعلاً پاسخ رسمی دولت روشن است. پزشکیان تصمیمی برای تغییر اعضای کابینه اعلام نکرده و قرار نیست، جابه‌جایی افراد به‌عنوان راه‌حل خودکار مشکلات معرفی شود. اما ادامه انتقادهای نمایندگان و طرح ضرورت ترمیم تیم اقتصادی نشان می‌دهد که موضوع از دستورکار بحث‌های سیاسی خارج نشده است. اکنون باید دید، دولت می‌تواند با اصلاح سیاست‌ها و ارائه نتایج ملموس به این مطالبه پاسخ دهد یا فشارها برای بازآرایی کابینه بار دیگر به یکی از محورهای اصلی اختلاف میان پاستور و بهارستان تبدیل خواهد شد.

نفوذ جلیلی

سعید جلیلی از بازداشت حمید رسایی انتقاد کرد



عاطفه شمس

گروه سیاسی

بعد از اینکه حملات و هجمه‌های همفکران حمید رسایی به رئیس قوه قضائیه و رئیس مجلس درباره صدور و اجرای حکم زندان او به‌جایی نرسید به‌نظر می‌رسد، پایداری‌چی‌ها سراغ بزرگ‌ترهایشان رفته‌اند تا از مسیر دیگری ماجرا را پیش ببرند و پای سعید جلیلی از چهره‌های بانفوذ جریان پایداری را هم به ماجرا باز کرده‌اند. با این تفاوت که جلیلی به‌جای حمله مستقیم به سران قوا و دستگاه قضا، پای وحدت و مصلحت را وسط کشیده تا بگوید، زندانی شدن رسایی در شرایط فعلی به صلاح نیست.

سعید جلیلی در مراسم سالروز عملیات طوفان‌الاقصی با اشاره به تأکید رهبر انقلاب بر ضرورت جلوگیری از اختلافاتی که به انسجام آسیب می‌زند، گفت: «رهبری معظم انقلاب یکی از جملاتی که مطرح فرمودند این بود که اختلافات ولو موجه نباید موجب بهم خوردن [انسجام] باشد». او سپس تأکید کرد: «در همین موضوع و موضوعات دیگر همواره به دوستان عرض کرده‌ام در شرایطی که ملت ما اینگونه وسط میدان آمده و با وحدت از نظام و انقلاب حمایت و پشتیبانی می‌کند نباید شاهد چنین رویدادهایی باشیم». او سپس اضافه کرد: «ممکن است در این موضوع، بحث مصلحت مطرح باشد یا موضوع به یک حکم قضایی مربوط شود اما آنچه اهمیت دارد این است که امروز همه نیروهای انقلاب باید از این مسائل عبور کنند و بازنگری در تراز انقلاب، پای نقش‌آفرینی بایستند».

تأکید بر وحدت در شرایط حساس کشور به‌خودی‌خود قابل دفاع است؛ اما پرسش از همفکران جلیلی و رسایی اینجاست که چرا درست زمانی بر این ضرورت تأکید می‌کنند که یکی از چهره‌های همسو با آنها باید پیامدهای یک حکم قضایی را بپذیرد؟ آیا وحدت و مصلحت فقط وقتی پای رسایی در میان است، اهمیت پیدا می‌کند یا قرار است، معیاری یکسان برای رفتار همه جریان‌های سیاسی باشد؟

چرخش از حمله به وحدت

ماجرای این جهت‌قابل‌تأمل است که پیش از ورود جلیلی، رسایی و همفکرانش بارها اختلافات خود با محمدباقر قالیباف، رئیس مجلس و غلامحسین محسنی‌آزاده‌ای، رئیس قوه قضائیه بر سر حکم رسایی را به فضای عمومی کشانده بودند. اما از آنجا که این تقابل‌ها به تغییر مسیر پرونده منجر نشده به‌نظر می‌رسد همان مطالبه را از مسیر دیگر و با چاشنی وحدت و مصلحت‌اندیشی دنبال می‌کنند تا شاید بتوانند از این

سیاست

بسیج در کنار پاستور

طائب: برای کمک به دولت جلسات متعددی با رئیس‌جمهور داریم

گروه سیاسی: وقتی صحبت از حل مشکلات مردم و پیشبرد امور کشور به میان می‌آید، استفاده از ظرفیت نهادهای مختلف همواره یکی از گزینه‌های پیش روی دولت‌هاست؛ حالا حسین طائب، رئیس سازمان بسیج مستضعفین، از جلسات متعدد با رئیس‌جمهور برای کمک به دولت خبر داده است. او می‌گوید گفت‌وگوها در حوزه‌های مختلف ادامه دارد و قرار است مشخص شود، بسیج و بسیجیان در چه زمینه‌هایی می‌توانند وارد میدان شوند و به دولت کمک کنند. هرچند هنوز جزئیات این همکاری اعلام نشده، اظهارات طائب نشان می‌دهد که رایزنی‌ها برای تعریف زمینه‌های مشارکت بسیج در حل مسائل کشور در جریان است.

طائب در سخنان خود ابتدا به رویکرد رئیس‌جمهور در استفاده از ظرفیت‌های مردمی اشاره کرده و از نگاه او به حضور مردم در عرصه‌های مختلف قدردانی کرده است. رئیس سازمان بسیج مستضعفین معتقد است که دولت نیز برای این سازمان در مسیر حل مشکلات مردم و کشور نقش قائل است. او در همین زمینه گفت: «ما از رئیس‌جمهور محترم با نگاه‌های خوبی که در موضوع حضور مردم در عرصه‌های مختلف دارند، تشکر می‌کنیم. ایشان به این موضوع اعتقاد دارند که سازمان بسیج هم می‌تواند برای حل مسائل مردم و کشور، نقش مؤثری

راه، مسئولان را به چشم‌پوشی از اجرای ادامه حکم ترغیب کنند.

جلیلی البته صراحتاً خواستار لغو حکم رسایی نشده اما تأکیدش بر اینکه زندانی شدن او در شرایط فعلی به مصلحت نیست، پرسش مهمی را پیش می‌کشد؛ اینکه مرز میان مصلحت سیاسی و اجرای قانون در منطق جریان پایداری کجاست؟ وقتی حکم قضایی صادر شده، آیا وحدت به‌معنای تمکین همگان به قانون نیست؟ پس چرا درست وقتی پای یکی از چهره‌های نزدیک به این جریان به میان می‌آید، اجرای قانون جای خود را به مصلحت‌اندیشی می‌دهد؟

ایسن موضع‌گیری البته با واکنش محمدسعید احدیان، دستیار سیاسی رئیس مجلس نیز همراه شد. او روز گذشته در واکنش به این اظهارات سعید جلیلی در شبکه اجتماعی



ایکس نوشت: «آقای جلیلی! تقویم وحدت از روز گرفتاری دویستان آغاز نمی‌شود و در همان روز هم پایان نمی‌یابد».

اصل همیشگی یا راه نجات خودی‌ها؟

برای فهم این تناقض باید از پرونده رسایی فراتر رفت و به رفتار سیاسی همفکران او در جبهه پایداری نگاه کرد؛ جریانی که در بسیاری از موضوعات بر اجرای بی‌چون‌وچرای قانون پافشاری کرده حتی اگر اجرای آنها به ضرر انسجام ملی بوده یا با خواست اکثریت جامعه در تقابل بوده و یا با مصلحت‌اندیشی تصمیم‌گیران در سطوح عالی کشور تعارض داشته است. اما در مواردی که تصمیم‌ها با خواسته‌ها و مواضع خودش همخوانی نداشته با فشار سیاسی، حمله به مسئولان یا مطالبه تغییر تصمیم‌ها، وارد میدان شده است.

این دوگانگی را می‌شود در برخوردشان با رقبای سیاسی هم دید؛ همان‌هایی که سال‌هاست از محاکمه خاتمی و روحانی حرف می‌زنند و هر فرصتی پیدا می‌کنند، نام محمدجواد ظریف را هم به میان می‌کشند و خواستار برخورد



با او می‌شوند. حتی کار به‌جایی رسیده که مطالبه محاکمه این چهره‌ها به شعار تجمعات شبانه هم راه پیدا کرده است؛ مطالباتی که به‌خودی‌خود نه اثبات‌کننده ارتکاب جرم‌اند و نه جایگزین رسیدگی قضایی می‌شوند. تشخیص اتهام، بررسی ادله و صدور حکم در صلاحیت مرجع قضایی است نه فعالان سیاسی یا حاضران در تجمعات. با این حال همین جریان وقتی پای حمید رسایی به میان می‌آید، به‌جای تأکید بر ضرورت تمکین به حکم قضایی، از مصلحت و لزوم عبور از ماجرا حرف می‌زند. ظاهراً مطالبه برخورد با رقبای آن هم در شرایطی که همه مسئولان ارشد بر ضرورت حفظ انسجام ملی تأکید دارند، نیازی به مصلحت‌اندیشی ندارد اما اجرای حکم یک چهره خودی که در پی شکایت شاکی خصوصی به محکومیت قطعی رسیده بلافاصله به مسئله وحدت و انسجام تبدیل می‌شود.

وحدت با استثنا شکل نمی‌گیرد

وحدت با فشار بر دیگران و استثنا قائل شدن برای خودی‌ها شکل نمی‌گیرد. جریان‌های سیاسی ضمن برخورداری از حق انتقاد باید مسئولیت رفتار و گفتار خود را بپذیرند و از تبدیل اختلافات به بحران سیاسی بپرهیزند. نمی‌شود با حمله به سران قوا و فشار بر مسئولان، اختلافات را تشدید کرد؛ بر اجرای تصمیم‌هایی پافشاری کرد که با خواست اکثریت جامعه در تعارض‌اند و مصلحت‌اندیشی تصمیم‌گیران در سطوح عالی کشور را نادیده گرفت اما وقتی پای یکی از همفکران به میان می‌آید، ناگهان از مصلحت و ضرورت عبور از اختلافات سخن گفت. این همان دوگانگی در معیاری است که قانون را برای جامعه و رقبای سخت‌گیرانه مطالبه می‌کند اما برای خودی‌ها به مصلحت حواله می‌دهد.

درباره رسایی نیز بنا بر اطلاعات مطرح شده، پرونده و حکم قضایی او مربوط به دوره‌ای است که نماینده مجلس نبوده است؛ بنابراین جایگاه فعلی او به‌خودی‌خود نمی‌تواند، مبنای تفاوت در اجرای حکم باشد. اگر اعتراضی حقوقی به روند رسیدگی یا حکم وجود دارد، مسیر قانونی برای پیگیری آن باز است و مصلحت سیاسی نمی‌تواند، جایگزین این مسیر شود. در نهایت اگر نگرانی درباره شرایط حساس کشور و ضرورت حفظ انسجام جدی است این ملاحظات باید برای همه جریان‌ها معتبر باشد و در همه موقعیت‌ها از مواجهه با رقبای سیاسی تا تصمیم‌های اجتماعی و اقتصادی مورد توجه قرار گیرد. نه فقط زمانی که پای یکی از چهره‌های نزدیک به یک جریان سیاسی در میان است. وحدت با چنین معیار دوگانه‌ای حفظ نمی‌شود. جامعه نیز تفاوت میان اجرای یک قاعده برای همه و تلاش برای ایجاد استثنا به‌نفع یک چهره سیاسی را تشخیص می‌دهد.

حوزه‌های مختلف در حال گفت‌وگو هستیم.» اما این گفت‌وگوها قرار است به چه نتیجه‌ای برسد؟ بخش دیگری از اظهارات طائب به همین موضوع مربوط است؛ جایی که او از شناسایی زمینه‌های مشخص همکاری و برنامه‌ریزی برای آنها سخن می‌گوید. به گفته رئیس سازمان بسیج مستضعفین، موضوعاتی که بسیج و بسیجیان می‌توانند در آنها حضور پیدا کنند و به دولت کمک برسانند، در حال احصاست و قرار است برای هرکدام به‌صورت جداگانه برنامه‌ریزی شود. به این ترتیب آنچه تاکنون از سوی طائب اعلام شده بیش از هر چیز از تلاش برای مشخص کردن حوزه‌های همکاری حکایت دارد. او هنوز جزئیاتی درباره موضوعات مورد توافق، برنامه‌های اجرایی یا زمان آغاز این همکاری‌ها ارائه نکرده است؛ بنابراین دامنه و شکل نهایی حضور بسیج در برنامه‌های دولت همچنان روشن نیست.

با این حال اصل این رایزنی‌ها یک پرسش مهم را پیش می‌کشد: بسیج قرار است در کدام بخش از مسائل کشور به کمک دولت بیاید؟ آیا گفت‌وگوها به مشارکت در حوزه‌های مشخص خدمات‌رسانی و حل مشکلات مردم منتهی می‌شود یا زمینه‌های گسترده‌تری برای همکاری در نظر گرفته شده است؟ پاسخ به این پرسش‌ها به اعلام جزئیات بیشتر از سوی دو طرف بستگی دارد. فعلاً طائب از جلسات متعدد با رئیس‌جمهور، ادامه گفت‌وگوها و برنامه‌ریزی برای تعیین حوزه‌های همکاری خبر داده است؛ حالا باید دید این رایزنی‌ها در نهایت چه برنامه‌هایی به همراه خواهد داشت و حضور بسیج در کنار دولت در عمل چه صورتی پیدا می‌کند.



اهرم جدید ایران

ماجرای هفت کابل مهمی که در تنگه هرمز حکم شریان های حیاتی اینترنت جهانی را دارند

گروه بین الملل: روزنامه گاردین در گزارشی به بررسی احتمال بهره برداری ایران از کابل های زیر دریایی اینترنت در تنگه هرمز پرداخت؛ زیرساخت هایی حیاتی که با گسترش هوش مصنوعی و سرمایه گذاری کشورهای حاشیه خلیج فارس در فناوری، اهمیت راهبردی بیشتری پیدا کرده اند. براساس این گزارش، برخی رسانه های ایرانی پیشنهاد کرده اند، تهران با استفاده از موقعیت جغرافیایی خود از شرکت های فناوری آمریکایی برای عبور کابل های اینترنتی از این آبراه عوارض دریافت کند. اما آیا چنین طرحی از نظر حقوقی و فنی امکان اجرا دارد؟ دست کم ۷ کابل زیر دریایی از بستر تنگه هرمز- آبراهی حدوداً ۴۰ کیلومتری میان ایران و عمان- عبور می کنند. این کابل ها نقش مهمی در ارتباطات دیجیتال منطقه دارند و برخی از آنها برای توسعه زیرساخت های هوش مصنوعی در کشورهای حوزه خلیج فارس اهمیت ویژه ای دارند.

طرح ایران چیست؟

پیشنهاد مطرح شده سه محور اصلی دارد: دریافت حق امتیاز از شرکت های خارجی برای استفاده از کابل های زیر دریایی، الزام غول های فناوری مانند گوگل، متا، آمازون و مایکروسافت به

فعالیت در چارچوب قوانین جمهوری اسلامی و احتمالاً تشکیل سرمایه گذاری های مشترک و در نهایت، در اختیار گرفتن انحصار تعمیر و نگهداری این کابل ها و دریافت هزینه از شرکت های بین المللی. حامیان این ایده معتقدند چنین سیاستی می تواند، تنگه هرمز را به منبعی برای ایجاد درآمد تبدیل کند. در توجیه حقوقی این پیشنهاد، به ماده ۳۴ کنوانسیون حقوق دریا های سازمان ملل متحد، مصوب ۱۹۸۲ استناد شده است. با این حال، این ماده به تهنایی مجوزی برای مطالبه مالکیت بستر تنگه یا دریافت عوارض از کابل های عبوری محسوب نمی شود و اجرای چنین طرحی با محدودیت های حقوق بین الملل روبه روست.

تجربه مصر چه می گوید؟

مصر نمونه ای است که رسانه های ایرانی برای دفاع از این پیشنهاد به آن اشاره کرده اند. این کشور از مسیر عبور کابل های زیر دریایی و خدمات ارتباطی مرتبط با آن درآمد کسب می کند؛ درآمدی که برآوردها، آن را سالانه بین ۲۵۰ تا ۴۰۰ میلیون دلار می داند. شرکت تلکام اجیت نیز در برخی پروژه ها در مالکیت و بهره برداری از کابل ها مشارکت دارد هر چند میزان دقیق درآمد ایسن فعالیت ها به صورت عمومی اعلام نشده است. اما داگ

دیپلماسی

صف آرای غرب علیه ایران

لندن با جلب حمایت ۲۹ کشور و اعمال تحریم های جدید پرونده فیرفورد را به محور تازه تقابل با ایران تبدیل کرد

ابوالفضل خدایی

گروه بین الملل

ماجرای پایگاه هوایی فیرفورد از یک پرونده امنیتی در بریتانیا فراتر رفته و به نقطه تازه ای از تنش میان تهران و کشورهای غربی تبدیل شده است؛ پرونده ای که در آن، لندن از کشف طرحی برای حمله به یک پایگاه نظامی خبر می دهد، واشنگتن از تهدید علیه بمب افکن های خود سخن می گوید و ۲۹ کشور با انتشار بیانیه ای مشترک، ارزیابی دولت بریتانیا درباره نقش ایران را تأیید می کنند. تهران اما اتهام های مطرح شده را رد کرده و لندن را به طرح ادعاهای بی سند و تلاش برای فرار از پاسخگویی درباره همکاری نظامی با آمریکا و اسرانیل متهم می کند. در مرکز این مناقشه، پایگاه نیروی هوایی سلطنتی بریتانیا در فیرفورد، در منطقه گلاسترشر و حدود ۱۶۰ کیلومتری غرب لندن، قرار دارد؛ تأسیساتی که به دلیل میزبانی از بمب افکن های راهبردی نیروی هوایی آمریکا در محاسبات نظامی واشنگتن اهمیت ویژه ای دارد. اکنون همین پایگاه به کانون اتهام های امنیتی، تحریم های تازه و صف آرای دیپلماتیک میان ایران و متحدها غربی تبدیل شده است.

بیانیه ۲۹ کشور

۲۹ کشور از جمله آمریکا، بریتانیا، فرانسه، آلمان، کانادا، استرالیا در بیانیه ای مشترک، آنچه را «اقدامات خصمانه» ایران خوانده اند، محکوم کردند. امضا کنندگان مدعی شدند، تلاش برای تهدید یا آسیب رساندن به افراد در خاک کشور هایشان پذیرفتنی نیست و حملات سایبری و فعالیت های ترکیبی متناسب به تهران را نیز محکوم کردند. در این بیانیه، حادثه فیرفورد نشانه ای از آمادگی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی برای انجام حملات فراتر از مرزهای ایران توصیف شده است. کشورهای امضا کننده همچنین هشدار داده اند که علیه هر فرد یا گروهی که به نمایندگی از تهران دست به اقدامات خصمانه بزند، اقدام خواهند کرد. پیام سیاسی بیانیه روشن است: دولت های امضا کننده می خواهند، موضوع فیرفورد را نه صرفاً یک پرونده امنیتی بریتانیایی بلکه بخشی از نگرانی مشترک خود درباره فعالیت های متناسب به ایران معرفی کنند. با این حال انتشار این بیانیه به معنای اثبات مستقل ادعاهای مطرح شده درباره حادثه نیست؛ ادعاهایی که تهران آنها را قاطعانه رد می کند.

ادعاهای لندن

مقام های بریتانیایی تلاش کرده اند، پرونده فیرفورد را در چارچوبی

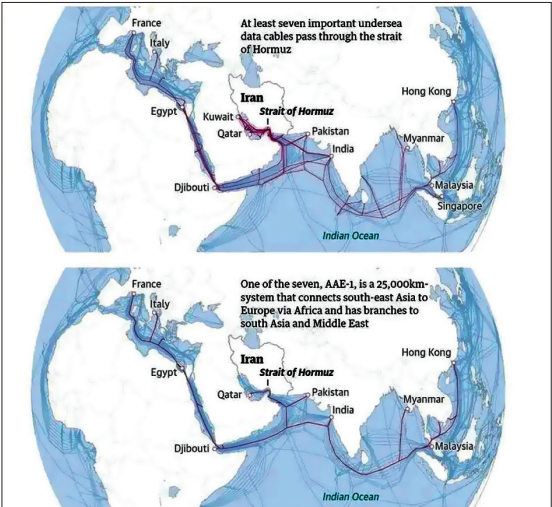
لندن دو تبعه ایرانی را تحریم کرد: روح الله بازقندی که وزارت خارجه بریتانیا او را رئیس عملیات ضد جاسوسی سپاه پاسداران معرفی کرده و شهرام علیرضا تمرزاده چکی که به ادعای این وزارتخانه در تسهیل فعالیت های شبکه تبهکار زین دشتی نقش داشته است. لندن مدعی است، افراد تحریم شده در طرح هایی علیه مخالفان حکومت ایران دست داشته اند. این اقدامات، پرونده فیرفورد را از سطح اتهام های امنیتی به عرصه فشار دیپلماتیک و اقتصادی کشانده است. با این حال، تحریم های اعلام شده نیز بر مبنای ارزیابی دولت بریتانیا صورت گرفته اند و ادعاهای مطرح شده درباره افراد هدف را نباید با اثبات مستقل همه اتهام ها یکسان دانست.

پاسخ تهران

وزارت امور خارجه ایران در واکنش به مواضع لندن، انتساب حادثه امنیتی ادعایی در فیرفورد به تهران را به شدت محکوم کرد. در بیانیه این وزارتخانه، ادعاهای بریتانیا «توطئه ای زشت» برای پیشبرد کارزار ایران ستیزی و فرار از پاسخگویی درباره مشارکت لندن در تجاوز نظامی آمریکا و اسرائیل علیه ایران توصیف شده است. این موضع گیری نشان دهنده اختلافی فراتر از یک پرونده امنیتی است. از نگاه تهران، همکاری نظامی بریتانیا با آمریکا در عملیات علیه ایران، زمینه اصلی مناقشه را تشکیل می دهد؛ در مقابل، لندن مدعی است با تهدید هایی علیه امنیت داخلی خود روبه روست و باید با آنها مقابله کند. در نتیجه، دو طرف نه تنها درباره مسئولیت حادثه بلکه درباره ماهیت اقدامات امنیتی و نظامی یکدیگر نیز اختلاف دارند.

تنش در مسیر عملیات پنهانی

در چشم انداز پیش رو، پرونده فیرفورد می تواند به تشدید فشارهای امنیتی، گسترش عملیات ضد جاسوسی و افزایش تنش های دیپلماتیک میان تهران و لندن منجر شود. بریتانیا احتمالاً تقویت حفاظت از زیرساخت های نظامی، افزایش تبادل اطلاعات با متحدان و پیگیری شبکه های مالی و مجرمانه مظنون را در دستور کار قرار خواهد داد. هماهنگی با شرکای اطلاعاتی از جمله اعضای ائتلاف «فایو آیز» نیز می تواند، بخشی از این تلاش ها باشد. در مقابل، ادامه اتهام زنی ها و تحریم ها ممکن است، فضای گفت وگو میان دو کشور را محدودتر کند. لندن باید همزمان امنیت تأسیسات خود را تضمین کند و همکاری نظامی با واشنگتن را ادامه دهد؛ تهران نیز اتهام های مطرح شده را رد می کند و مشارکت بریتانیا در عملیات نظامی آمریکا و اسرائیل را زیر سوال می برد. با این همه هنوز نمی توان درباره پیامدهای نهایی پرونده با قطعیت داوری کرد. خروج بمب افکن های آمریکایی از فیرفورد به تهنایی نشانه عقب نشینی راهبردی واشنگتن نیست و ادعاهای مربوط به هدایت طرح حمله از سوی ایران نیز همچنان با رد رسمی تهران روبه روست. آنچه روشن است، تبدیل یک پرونده امنیتی به مناقشه ای چندلایه است که می تواند روابط سیاسی، همکاری های نظامی و محاسبات امنیتی دو طرف را برای مدتی طولانی تحت تأثیر قرار دهد.



مادوری، کارشناس زیرساخت های اینترنت در شرکت کنتیک، می گوید مقایسه ایران و مصر چندان دقیق نیست. بخش مهمی از کابل های عبوری از مصر از خاک این کشور می گذرند و در امتداد جاده ها و خطوط لوله نفت نصب شده اند. در مقابل، کابل های تنگه هرمز عمدتاً از زیر دریا و دور از ساحل عبور می کنند و بسیاری از آنها نیز به ایران ختم نمی شوند.

چرا اجرای طرح دشوار است؟

یک مقام سابق وزارت امور خارجه آمریکا که در حوزه اینترنت جهانی تخصص دارد به محدودیت های حقوقی و تحریم ها اشاره می کند. افزون بر این، شناسایی و تفکیک ترافیک اینترنتی شرکت های مشخص برای دریافت عوارض از آنها آسان نیست. به گفته مادوری، ایران برای تحمیل چنین هزینه هایی عملاً به تهدید

متوسل خواهد شد؛ روشی که سابقه مشخصی در مدیریت کابل های زیر دریایی ندارد.

قطع کابل ها چه پیامدی دارد؟

مادوری قطع کابل های زیر تنگه هرمز را اقدامی بسیار پرخطر برای ایران توصیف می کند. با وجود گزارش هایی درباره قطع مشکوک کابل ها در دریای بالتیک و دریای سرخ، او معتقد است بسیاری از این حوادث ناشی از برخورد لنگر کشتی ها است نه خرابکاری عمدی. از نظراو، ایران نیز برای قطع کابل ها با خطر شناسایی روبه رو خواهد بود و احتمالاً ناچار می شود در معرض گشت زنی های هوایی آمریکا، دست به چنین اقدامی بزند. قطع کابل ها می تواند، ارتباطات

اینترنتی کشورهای حاشیه خلیج فارس را مختل کند اما احتمالاً ضربه ای محدودتر به شبکه جهانی وارد می کند؛ زیرا این کابل ها، برخلاف مسیرهای عبوری از کانال سوئز و مصر، سهم کمتری در انتقال ترافیک میان اروپا و آسیا دارند. ایران و عراق نیز از مسیرهای زمینی جایگزین برخوردارند.

تعمیر کابل های زیر دریایی در جهان امری معمول است و بیش از ۱۲ کشتی تعمیراتی به طور مستمر در این حوزه فعالیت می کنند. با این حال، اگر این کشتی ها با تهدید های امنیتی روبه رو شوند، ممکن است از اعزام به منطقه خودداری کنند. در چنین شرایطی اختلال اینترنتی می تواند طولانی تر شود؛ پیامدی که نشان می دهد تبدیل کابل های تنگه هرمز به ابزار فشار اقتصادی بیش از آنکه یک منبع درآمد مطمئن باشد با موانع حقوقی، فنی و امنیتی جدی روبه روست.

آسیای میانه و قفقاز

تقابل حجاب و سکولاریسم

باکو محصلان محجبه را از ورود به کلاس منع کرد

تغییر مقررات پوشش در مدارس دولتی جمهوری آذربایجان، اختلافی آموزشی را به مناقشه ای اجتماعی و مذهبی تبدیل کرده است. در روزهای اخیر، گزارش ها درباره جلوگیری از ورود دانش آموزان محجبه به مدارس و فشار بر برخی معلمان برای برداشتن روسری، موجی از اعتراضات را برانگیخته و سیاست های دولت الهام علی اف در قبال آزادی های مذهبی را بار دیگر زیر ذره بین برده است. همزمان اختلال گزارش شده در اینترنت، گمانه زنی ها درباره ارتباط آن با انتشار ویدئوهای اعتراضات ایجاد کرده است. ماجرا از ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۶ آغاز شد؛ زمانی که مقررات پوشش دانش آموزان مدارس دولتی تغییر کرد. هرچند در متن مقررات، حجاب به صراحت ممنوع نشده است، محدودیت لباس هایی که به تشخیص مسئولان با سکولار بودن آموزش یا ضوابط یکسان لباس فرم مغایرت داشته باشند، زمینه ساز برخورد با پوشش اسلامی شده است. ششم اکتبر نیز مقررات پوشش کارکنان آموزشی تغییر کرد و بر رعایت اصل سکولار بودن محیط مدارس تأکید شد. در پی این تحولات، گزارش هایی از محرومیت برخی دانش آموزان محجبه از ورود به کلاس ها و فشار بر معلمان روسری دار منتشر شد. اعتراضات با بازداشت ده ها نفر همراه بود و واکنش هایی را در ترکیه نیز برانگیخت. به این ترتیب، موضوع از اجرای مقررات لباس فرم فراتر رفته و پرسش هایی درباره حق آموزش، آزادی پوشش و حدود اختیار دولت در تنظیم رفتارهای مذهبی شهروندان مطرح کرده است. دولت باکو همواره الزامات لباس فرم را با ماهیت سکولار آموزش عمومی توجیه کرده است؛ اما این سیاست پیشنهادی مناقشه برانگیز دارد. در سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۲ نیز محدودیت های مشابه پوشش اسلامی به اعتراضاتی انجامید که برخی از آنها با مداخله پلیس و بازداشت معترضان پایان یافت. این مناقشه در کشوری اهمیت ویژه ای دارد که قانون اساسی آن بر سکولاریسم تأکید می کند اما اکثریت جمعیتش مسلمان هستند. در چنین شرایطی، اجرای مقررات پوشش می تواند به موضوعی فراتر از نظم اداری مدارس تبدیل شود و حساسیت های مذهبی و اجتماعی را تشدید کند. این مسئله در جمهوری آذربایجان، جایی که مقام ها معمولاً تجمعات غیرمجاز را به شدت محدود می کنند، ابعاد سیاسی بیشتری نیز پیدا کرده است.



داستان‌های چاپخانه

مترجم دزدی

هر چهارشنبه در این ستون نگاهی می‌اندازیم به روابط مالی و حقوقی نویسندگان و مترجمان با ناشران - بخش نهم



دشوار تحصیل در دانشکدهٔ پزشکی برای خانم «الف» تمام شده بود. دوران رزیدنتسی و بعدتر طرح تخصص را گذرانده و بالاخره توانسته بود در چند درمانگاه مشغول کار شود. هنوز به فکر بازکردن مطب نبود و ترجیح می‌داد خود را در دنیای جدید درمان بیازماید. در همین اوضاع و احوال بود که یکی از دوستان خانوادگی که از قضا ناشر کتب دانشگاهی و پزشکی هم بود، به او پیشنهاد داد یک کتاب تخصصی رشته‌اش را ترجمه کند تا چاپ شود. خانم الف ابتدا کمی فکر کرد و بعد به نظرش رسید کار بدی هم نیست، هم خودش یک موضوع جدید را یاد می‌گیرد و هم اعتباری برای او خواهد بود. بنابراین بر اساس توافق شفاهی کار ترجمه را شروع کرد.

کتاب نسبتاً سبخت و قطوری بود و هر روز باید برای ترجمه آن زمان می‌گذاشت. در نهایت بعد از بیش از یک سال کار ترجمه تمام شد و کتاب را تحویل داد. البته ترجمه نیاز به ویرایش داشت و خانم الف بعد از این که کتاب را تحویل داد با ویراستار در ارتباط بود تا این که متن شسته‌ورفته کتاب آماده انجام بقیه مراحل فنی شود. در این مرحله بود که ناشر با خانم الف صحبت کرد و از او خواست برای ترجمه‌اش دست‌مزدی را اعلام کند تا به او پرداخت شود. خانم الف هم که سر رشته‌ای در کار کتاب و نشر نداشت، این پیشنهاد را قبول کرد و بعد از پرس‌وجو از چند نفر هم کلاسی‌های سابق که در دوران دانشجویی کار ترجمه کتاب و مقاله هم انجام می‌دادند، مبلغی را به ناشر اعلام کرد. مدتی بعد هم ناشر مبلغ را به او پرداخت. خانم الف بقیه کارها از گرفتن مجوز و طی کردن مراحل فنی و چاپ را به ناشر سپرد و حالا که مدتی از کار او در درمانگاه‌های مختلف گذشته بود، سراغ بازکردن مطب و کارهای جدیدتری مانند آموزش دادن در رشتهٔ تخصصی خودش رفت.

اما از آن‌جا که با ناشر هم دروداور آشنایی و سلام‌وعلیکی داشت، گاهی بین صحبت‌ها و احوال‌پرسی‌ها سراسازی از کتاب می‌گرفت و می‌شنید که مراحل فنی در حال انجام است، یا مثلاً هنوز مجوز چاپ کتاب نیامده یا در حال گرفتن فینا و شابک هستند یا صفحه‌بندی یا طراحی تصاویر تمام نشده است. مدتی به همین منوال گذشت تا این که یک روز و در یکی از دورهمی‌های دوستانه، دوستی از دوستان دانشکده که می‌دانست او همیشه از هدیه گرفتن کتاب استقبال می‌کند، به مناسبت افتتاح مطبخ کتابی در رشتهٔ تخصصی‌شان به او هدیه داد. خیلی خوشحال شد و همان‌جا کاغذ کادوی پیچیده‌شده دور کتاب را باز کرد؛ ولی با دیدن اسم کتاب کاملاً متعجب شد. کتاب دقیقاً همانی بود که خودش ترجمه کرده بود ولی اسم فرد دیگری به‌عنوان مترجم روی کتاب نوشته شده بود. برای این که بقیه متوجه تعجب زیاد او نشوند، از دوستش تشکر کرد و گفت کتاب را در قفسه کتابخانه پشت‌سر خودش می‌گذارد. کتاب را بست و تا وقتی به‌جای خلوتی برسد، صبر کرد. ولی وقتی دوباره کتاب را با دقت بررسی کرد و محتوای آن را خواند، فهمید همان کتابی است که خودش ترجمه کرده، ولی اسم روی کتاب را نمی‌شناخت، هر چند برایش آشنا بود. کمی که فکر کرد یادش آمد اسم روی کتاب اسم دختر ناشر است؛ اما او که هنوز مدرسه هم نمی‌رفت و چطور می‌توانست چنین کتابی را ترجمه کند. سوال به‌قدری ذهنش را درگیر کرده بود که نمی‌توانست به آن جواب ندهد و با این که معمولاً از پرس‌وجوهای مختلف دوری می‌کرد، با ناشر تماس گرفت و ماجرا را پرسید. ناشر هم از ابتدا به‌روشنی و بدون رودربایستی گفت خانم الف دستمزدش را از ترجمه گرفته و بر همین اساس حقی در مورد کتاب ندارد و کل کار چاپ کتاب هم براساس توافق شفاهی انجام شده است. با وجود این، اطلاع داد که بله این کتاب به اسم دخترش چاپ شده است و حتی اگر به اسم دخترش چاپ نمی‌شد، به اسم خانم الف هم چاپ نمی‌شد.

خانم الف که از این گفت‌وگو به‌شدت متعجب و البته گیج شده بود واکنشی نتوانست نشان دهد و تلقن را قطع کرد. البته بعد از این ماجرا یکی از دوستان مشترک خانم الف و ناشر برای او تعریف کرد کتاب یادشده در واقع هدیه روز تولد دختر ناشر بوده و در مراسم مهمانی روز تولدش همراه با کیکی شبیه کتاب به او هدیه داده بوده است. باز هم تعریف کرد که تقریباً همه مهمان‌ها از این هدیه متعجب شده بودند و در واقع ناشر که این‌جا پدر متولد و صاحب‌خانه هم بود، غیر از مهمانی تولد، تعجیبی جمعی برای آن‌ها تدارک دیده بود.

اندکی که از تعجب و سرگشتگی اولیه گذشت، خانم الف سراغ یک وکیل رفت و کل ماجرا را برای او توضیح داد. وکیل هم پرسید از ابتدا توافق آن‌ها چطور بوده است؟ آیا قراردادی مکتوب دارند و از اول قول و قرار آن‌ها چطور بوده است؟ در هر حال اگر مایل است روند دادرسی را شروع کند که ممکن است به نتیجه برسد یا نرسد، باید بداند به اندازهٔ ترجمه کتاب زمان خواهد برد و هزینه خواهد داشت. همهٔ این سوال‌ها که یا جوابی برای آن‌ها نداشت یا این که جواب منفی داشت، باعث شد خانم الف آن روز از دفتر وکیل تا مطب خودش پیاده برود و وقتی وارد مطب شد کتاب هدیه گرفته از دوستش را که نام دختر بی‌سواد ناشری آشنا به‌عنوان مترجم بر جلد آن نشسته بود، روانه انتهای کشوی کمد میز تحریر منشی کند.

فرصت از دست‌رفته

هفتادوهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت بدون حضور رسمی ایران پایان یافت

حضور محدود ایران

در حالی که ناشران کشورهای مختلف با حضور در نمایشگاه فرانکفورت برای توسعهٔ بازارهای بین‌المللی خود تلاش می‌کنند، مشارکت ایران در این رویداد طی سال‌های اخیر کم‌رنگ شده است. چند سالی است که ادبیات ایران در این نمایشگاه حضور ندارد و از این‌رو، حضور سازمان‌یافته و متمرکز نهادهای رسمی نشر ایران در یکی از مهم‌ترین بازارهای جهانی کتاب دیده نمی‌شود. با این حال، شماری از ناشران و نمایندگان صنعت نشر ایران هم‌چنان به شکل مستقل در این رویداد شرکت می‌کنند. انتشارات ایران‌پا به مدیرمسئولی نیلوفر تیموریان ازجمله ناشران ایرانی حاضر در این دوره بود. هم‌چنین نمایندگانی از ناشران ایرانی، ازجمله انتشارات هزارهٔ ققنوس، برای مذاکره با ناشران خارجی و بررسی زمینه‌های همکاری در نمایشگاه حضور داشتند. حضور مستقل این ناشران، در شرایط غیبت نهادهای رسمی، بخشی از تلاش بخش خصوصی برای حفظ ارتباط با بازار نشر جهان به‌شمار می‌رود؛ هرچند فعالیت پراکنده ناشران نمی‌تواند به‌طور کامل جایگزین برنامه‌های هماهنگ برای معرفی ادبیات ایران، حمایت از حضور بین‌المللی ناشران و پیگیری منظم قراردادهای نشر شود.

نمایشگاه کتاب فرانکفورت مهم‌تر از عرضهٔ کتاب، بستری است برای شکل‌گیری شبکه‌های حرفه‌ای، توسعهٔ صادرات فرهنگی و حضور در بازار جهانی. در شرایطی که هوش مصنوعی، کتاب صوتی، اقتباس سینمایی و تلویزیونی و تغییر الگوهای مصرف محتوا، صنعت نشر را با تحولات گسترده روبه‌رو کرده‌اند، حضور در چنین رویدادهایی می‌تواند به ناشران امکان دهد از روندهای تازه آگاه شوند و برای همکاری‌های آینده برنامه‌ریزی کنند. حضور منظم و هدفمند ایران می‌تواند از معرفی نویسندگان و ناشران ایرانی

نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت، یکی از مهم‌ترین رویدادهای صنعت نشر جهان است که علاوه بر عرضه کتاب و معرفی تازه‌های نشر، فرصتی برای مذاکره دربارهٔ حق ترجمه، انتشار بین‌المللی آثار، همکاری‌های مشترک و تبدیل آثار ادبی به محصولات سینمایی و تلویزیونی فراهم می‌کند. هفتادوهشتمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب فرانکفورت درحالی از ۷ تا ۱۱ اکتبر ۲۰۲۶ (۱۵ تا ۱۹ مهر ۱۴۰۵) برگزار شد که هوش مصنوعی، آزادی انتشار، آیندهٔ بازار جهانی کتاب و گسترش معاملات حق نشر از محورهای اصلی آن بود؛ رویدادی که با حضور ناشران و فعالان صنعت نشر از کشورهای مختلف برگزار شد، اما حضور ایران در آن هم‌چنان به فعالیت محدود برخی ناشران و نمایندگان این صنعت وابسته است و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و موسسهٔ خانهٔ کتاب و ادبیات ایران چند سالی است در این نمایشگاه حضور ندارند. براساس اعلام رسمی برگزارکنندگان، در دو روز نخست تخصصی نمایشگاه ۶۵ هزار بازدیدکننده حرفه‌ای از ۱۳۰ کشور از این رویداد بازدید، حدود ۴ هزار غرفه‌دار نیز کتاب‌ها، محصولات و خدمات خود را عرضه کردند و بیش از ۳ هزار و ۸۰۰ برنامه در محل نمایشگاه و نقاط مختلف شهر فرانکفورت برگزار شد. با وجود این آمار، فضای نمایشگاه از نگاه برخی حاضران و فعالان صنعت نشر، رونق سال‌های گذشته را نداشت؛ موضوعی که در کنار تغییرات بازار کتاب و تحولات فناوری، پرسش‌هایی دربارهٔ آینده نمایشگاه‌های سنتی کتاب و نحوهٔ ارتباط ناشران با مخاطبان و شرکای تجاری مطرح می‌کند. آمار اعلام شده از سوی برگزارکنندگان دربارهٔ در روز نخست، از ثبات حضور بازدیدکنندگان حرفه‌ای نسبت به سال گذشته حکایت دارد و نمی‌توان ارزیابی میدانی از فضای نمایشگاه را به‌تهایی معادل کاهش آماری بازدیدکنندگان دانست.

گزارش: سینمای جهان

مرگ تلخ والتر جونیور

ستاره جوان «بریکینگ بد» خودکشی کرد

مرگ آر. جی. میته، بازیگر نقش والتر وایت جونیور در سریال «بریکینگ بد»، بار دیگر یکی از چهره‌های محبوب این مجموعه را به کانون توجه بازگرداند؛ بازیگری که اگر چه بخش مهمی از شهرتش را مدیون نقش پسر والتر وایت بود، در سال‌های پس از پایان سریال تلاش کرد تصویرش را فراتر از یک بازیگر تلویزیونی تثبیت کند و به یکی از صداهای شناخته‌شده در حوزه حقوق افراد دارای معلولیت تبدیل شود. میته روز دوشنبه، ۱۲ اکتبر، در ۳۴ سالگی در براونزویل تگزاس درگذشت. نماینده او ابتدا خبر مرگش را اعلام کرد و ساعتی بعد، علت مرگ از سوی نماینده‌اش خودکشی اعلام شد.

خبر درگذشت میته برای هم‌پای‌هایش در «بریکینگ بد» تنها خبر مرگ یکی دیگر از بازیگران یک سریال قدیمی نبود. میته در زمان آغاز فیلم‌برداری این مجموعه نوجوانی ۱۴ ساله بود و سال‌های مهمی از زندگی‌اش را در کنار بازیگرانی گذراند که بعدها به یکی از موفق‌ترین گروه‌های بازیگری تاریخ تلویزیون تبدیل شدند. برایان کرنستون، آرون پال و دین نوریس، سه بازیگر اصلی «بریکینگ بد»، پس از انتشار خبر مرگ او در پیام‌هایی جداگانه از رابطه خود با میته و خاطرات‌شان از او گفتند.

چهره مستقل

میته از کودکی با فلج مغزی زندگی می‌کرد؛ موضوعی که در انتخاب او برای ایفای نقش والتر وایت جونیور نیز اهمیت داشت. اما آنچه بعدها به یکی از ویژگی‌های مهم زندگی حرفه‌ای او تبدیل شد، تلاشش برای استفاده از موقعیت خود به‌عنوان یک بازیگر شناخته‌شده برای صحبت درباره حقوق افراد دارای معلولیت بود. او در سال‌های بعد از «بریکینگ بد» در فعالیت‌های بشردوستانه نیز حضور

داشت و به مدافعی پرصداتر برای حضور بازیگران دارای معلولیت در صنعت سرگرمی تبدیل شد. با این حال، نام میته بیش از هر چیز با «بریکینگ بد» گره خورده است؛ سریالی که وینس گیلیگان آن را ساخت و از سال ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۳ در پنج فصل پخش شد. میته در این مجموعه نقش والتر وایت جونیور، پسر والتر و اسکایلر وایت را بازی می‌کرد؛ شخصیت‌هایی که برایان کرنستون و آنا گان نقش آنها را برعهده داشتند. والتر جونیور از معبود شخصیت‌هایی بود که در میانه فروپاشی اخلاقی و جنایی والتر وایت، همچنان تصویری از زندگی خانوادگی و گذشته‌ای را که والتر در حال از دست دادن آن بود، نمایندگی می‌کرد.

رابطه میان میته و کرنستون نیز به همین دلیل فقط به رابطه دو بازیگر در یک سریال محدود نماند. کرنستون پس از انتشار خبر مرگ او در اینستاگرام متنی طولانی منتشر کرد و از میته با عنوان «پسر دوست‌داشتنی» خود در «بریکینگ بد» یاد کرد. کرنستون نوشت که وقتی میته تنها ۱۴ سال داشت و برای نقش والتر وایت جونیور انتخاب شد، با او

فراتر رود و به ایجاد سازوکارهایی برای حمایت از ترجمهٔ آثار فارسی، خرید حقوق کتاب‌های خارجی، توسعه همکاری با آژانس‌های ادبی و تقویت ارتباطات فرهنگی منجر شود. استمرار حضور، ایجاد شبکه‌های حرفه‌ای و پیگیری توافق‌های حقوق نشر می‌تواند به تقویت جایگاه ادبیات ایران کمک کند؛ به‌ویژه در دوره‌ای که رقابت جهانی نشر، علاوه بر کیفیت آثار، به توانایی ناشران در استفاده از فناوری‌های جدید و ایجاد ارتباطات بین‌المللی نیز وابسته شده است. از این‌رو ضرورت بازنگری در سیاست حضور ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی به‌شدت احساس می‌شود و غفلت از این امر می‌تواند، صنعت نشر ایران را دچار مشکلات عدیده و عقب‌ماندگی جبران‌ناپذیر کند.

یکی از ظرفیت‌های مهم این نمایشگاه برای ناشران ایرانی، امکان ارتباط مستقیم با ناشران بزرگ جهان و دسترسی به آثار تازه‌ای است که قابلیت ترجمه و انتشار در بازار ایران دارند. در مقابل، معرفی آثار فارسی و فروش حق ترجمهٔ آن‌ها به ناشران خارجی نیز می‌تواند به افزایش حضور ادبیات ایران در بازارهای دیگر کشورها کمک کند. در جریان نمایشگاه امسال، انتشارات هزارهٔ ققنوس از طریق نماینده خود مذاکراتی را با ناشران بین‌المللی دنبال کرد. یکی از این مذاکرات دربارهٔ دریافت حق ترجمه و انتشار فارسی کتاب «کار کثیف؟» نوشتهٔ میشائیل لودرت، نویسنده و تحلیل‌گر مسائل خاورمیانه، با نماینده انتشارات پنگون بود. این کتاب با عنوان آلمانی «Drecksarbeit?: Israel, Amerika und der imperiale Größenwahn im Nahen Osten» به سیاست‌های آمریکا و اسرائیل در خاورمیانه و تحولات منطقه می‌پردازد. مذاکرات انجام‌شده بر شرایط انتشار ترجمه فارسی، حقوق نشر و امکان همکاری برای انتشار کتاب در ایران متمرکز بود، طرفین دربارهٔ ادامه روند همکاری به توافق‌های اولیه رسیدند. این مذاکره

آشنا شده است. به گفته او، میته این نقش را با «شادی و اشتیاق» بازی می‌کرد و خیلی‌زود برای اعضای گروه به چهره‌ای آشنا و دوست‌داشتنی تبدیل شد.

کرنستون همچنین به فلج مغزی میته اشاره کرد و نوشت که او هرگز اجازه نداد این شرایط بهانه‌ای برای انجام ندادن کاری باشد. به گفته کرنستون، میته با اراده‌ای زیاد با برنامه فشرده فیلم‌برداری کنار می‌آمد و در عین حال، مانند هر نوجوان دیگری، گاهی توصیه‌های والدین تلویزیونی‌اش را نادیده می‌گرفت تا خودش نتیجه انتخاب‌هایش را تجربه کند. این بخش از خاطرات کرنستون شاید بیش از هر چیز نشان می‌دهد که میته در زمان شروع «بریکینگ بد» هنوز یک بازیگر نوجوان و کم‌تجربه بود. کرنستون نوشته است که وقتی فیلم‌برداری قسمت آزمایشی سریال در فوریه ۲۰۰۷ آغاز شد، میته هنوز بازیگری خام بود، اما اعضای گروه به‌تدریج شاهد رشد او و تبدیل شدنش به بازیگری توانمند بودند. او در ادامه از مسیری گفت که میته بعد از «بریکینگ بد» طی کرد؛ مسیری که در آن تجربه شخصی‌اش از



گزارش: سینمای ایران

گفت‌وگو زیر بمباران

نگاهی به مستند

«تا قبل از نتانیاهو، من آشغال‌ترین آدم دنیا بودم»



فرزانه متین

روزنامه‌نگار

مستند کوتاه «تا قبل از نتانیاهو، من آشغال‌ترین آدم دنیا بودم!» ساخته آریان عطاریور، تلاش متفاوتی برای نزدیک شدن به جنگ ۱۲روزه و تأثیر آن بر زندگی آدم‌هاست. فیلم به‌جای آنکه صرفاً به تصاویر آشنای جنگ، موشک، انفجار و خیابان‌های خلوت متکی باشد، دوربینش را به زندگی روزمره آدم‌هایی می‌برد که در میانه یک بحران بزرگ، همچنان با مسائل شخصی، خاطرات و روابط خود زندگی می‌کنند. اینکه یک بحران چگونه پیوندهای شخصی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد، همین انتخاب باعث‌شده فیلم در مدت کوتاه خود، بیش از آنکه بخواهد گزارشی از جنگ ارائه دهد، تصویری انسانی از آدم‌هایی باشد که جنگ ناگهان وارد زندگی‌شان شده است. فیلم براساس مکالمات واقعی دو نفر در دوران جنگ ۱۲روزه شکل گرفته و تلاش کرده تأثیر جنگ را نه در سطح تحلیل‌های کلان و سیاسی، بلکه در زیست روزمره و تجربه شخصی انسان‌ها روایت کند که به‌تدریج آن را به تجربه‌ای عمومی‌تر پیوند می‌زند و مانیفیس‌ت فیلم به‌شدت انسان‌گرایانه است. فیلم‌ساز در شهرکی که محل زندگی‌اش است، حضور پیدا می‌کند و واکنش آدم‌ها را در روزهای جنگ ثبت می‌کند و در ادامه به شهرکی دیگر می‌رود؛ جایی‌که فضای اجتماعی و فرهنگی آن تفاوت‌هایی با محیط اطراف او دارد. همین رفت‌وآمد میان دو فضا، امکان مشاهده واکنش‌های متفاوت آدم‌ها به یک اتفاق مشترک را فراهم می‌کند. آدم‌هایی که ممکن است در شرایط عادی هیچ ارتباطی با یکدیگر نداشته باشند، حالا در برابر یک بحران واحد قرار گرفته‌اند.

نکته قابل‌توجه در فیلم این است که جنگ در اینجا فقط یک اتفاق سیاسی و نظامی نیست، بلکه به زندگی خصوصی آدم‌ها نفوذ می‌کند. شاید جذاب‌ترین بخش مستند نیز همین نگاه باشد. یک جنگ می‌تواند در کنار تمام پیامدهای بزرگ اجتماعی و سیاسی‌اش، خاطرات فراموش‌شده را زنده کند، آدمی را به گذشته ببرد یا حتی باعث شود سراغ کسی برویم که سال‌ها از او بی‌خبر بوده‌ایم. عطاریور از همین زاویه به سراغ یک رابطه عاطفی قدیمی می‌رود و جنگ را بهانه‌ای برای بازخوانی بخشی از گذشته قرار می‌دهد. ایسن انتخاب باعث شده فیلم از قالب یک مستند صرفاً مناسبتی

فاصله بگیرد. در واقع جنگ برای فیلم‌ساز تنها موضوع فیلم نیست؛ بستری است که در آن بخشی از زندگی شخصی او دوباره معنا پیدا می‌کند. همین نگاه شخصی، یکی از ویژگی‌های قابل‌توجه فیلم است زیرا به‌جای آنکه بخواهد درباره جنگ یک روایت کلی و از پیش تعیین‌شده ارائه کند، تلاش می‌کند نشان دهد یک اتفاق بزرگ چگونه می‌تواند در ذهن و زندگی یک فرد بازتاب پیدا کند. از سسوی دیگر، نگاه بصری فیلم نیز قابل‌توجه است. یکی از ایده‌های جذاب کارگردان، استفاده از قاب‌های متفاوت و البته منحصر‌به‌فرد است. در این قاب‌ها چند آدم با واکنش‌های متفاوت در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و همین هم‌نشینی، تصویری از جامعه‌ای متکثر را شکل می‌دهد. آدم‌هایی که در یک ساختمان زندگی می‌کنند اما ممکن است درک کاملاً متفاوتی از اتفاقی که در اطرافشان رخ می‌دهد داشته باشند. این شیوه قاب‌بندی به فیلم کمک می‌کند تا از یک روایت تک‌صدایی فاصله بگیرد. در جنگ، همان‌طور که در زندگی روزمره، آدم‌ها واکنش یکسانی ندارند. یکی نگران است، دیگری بی‌تفاوت به‌نظر می‌رسد، یکی به‌دنبال رفتن از شهر است و دیگری تصمیم دارد بماند. فیلم با قرار دادن این واکنش‌ها در کنار یکدیگر، تصویری چندلایه از مواجهه مردم با بحران ارائه می‌دهد؛ تصویری که اتفاقاً به دلیل همین تفاوت‌ها باورپذیرتر است. باند صوتی در فیلم از اهمیت بسزایی برخوردار است.

عنوان «تا قبل از نتانیاهو، من آشغال‌ترین آدم دنیا بودم!» نیز در امتداد همین نگاه شخصی قرار می‌گیرد. عنوانی عجیب، طولانی و کنجکاو‌برانگیز که از همان ابتدا مخاطب را با نوعی طنز تلخ مواجه می‌کند. عنوان در واقع بیش از آنکه بخواهد اطلاعاتی درباره موضوع فیلم بدهد، مخاطب را وارد جهان ذهنی فیلم‌ساز می‌کند؛ جهانی که در آن مسائل شخصی، سیاست، جنگ و خاطرات گذشته به شکلی غیرمنتظره در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. یکی از نقاط قوت فیلم، همین تلاش برای پیدا کردن معنای جنگ در جزئیات زندگی است. عطاریور به‌جای آنکه صرفاً جنگ را از بیرون نگاه کند، آن را از دریچه زندگی خودش و آدم‌های اطرافش می‌بیند. به همین دلیل فیلم، حتی در لحظاتی که کاملاً شخصی می‌شود، همچنان ارتباط خود را با موضوع اصلی حفظ می‌کند. در واقع فیلم می‌خواهد بگوید جنگ فقط در آسمان و خیابان‌ها اتفاق نمی‌افتد؛ بخشی از آن در ذهن آدم‌ها و در روابط آنها نیز ادامه پیدا می‌کند.

در این میان، انتخاب فرم کوتاه نیز به کمک فیلم آمده است. «تا قبل از نتانیاهو، من آشغال‌ترین آدم دنیا بودم!» قرار نیست تمام ابعاد جنگ ۱۲ روزه را توضیح دهد و اتفاقاً ارزش آن در این است که ادعای چنین کاری را ندارد. فیلم یک برش محدود از یک تجربه را انتخاب و همان را دنبال می‌کند. این محدود کردن دامنه روایت باعث شده فیلم بتواند به‌جای پراکنده شدن در موضوعات مختلف، روی تجربه شخصی فیلم‌ساز و آدم‌های اطرافش متمرکز بماند.

در نهایت، فیلم آریان عطاریور را می‌توان تجربه‌ای شخصی و متفاوت از ثبت روزهای جنگ دانست؛ فیلمی که تلاش می‌کند به‌جای ارائه تصویری کلیشه‌ای از جنگ، به سراغ آدم‌ها و احساسات آنها برود. شاید مهم‌ترین دستاورد فیلم نیز همین باشد که جنگ را از یک مفهوم بزرگ و دور به اتفاقی نزدیک و ملموس تبدیل می‌کند؛ اتفاقی که می‌تواند یک شهر، یک خانه، یک رابطه و حتی یک خاطره قدیمی را تحت‌تأثیر قرار دهد. «تا قبل از نتانیاهو، من آشغال‌ترین آدم دنیا بودم!» در نهایت فیلمی درباره جنگ است، اما نه فقط درباره جنگ. فیلم درباره آدم‌هایی است که در میانه یک اتفاق بزرگ، همچنان زندگی شخصی خود را ادامه می‌دهند؛ درباره گذشته‌ای که ممکن است ناگهان دوباره سر برآورد و درباره این حقیقت که در شرایط بحرانی، هرکس روایت و تجربه خودش را دارد. عطاریور با انتخاب این زاویه شخصی توانسته از دل یک واقعه بزرگ، داستانی کوچک‌تر و انسانی‌تر بیرون بکشد؛ داستانی که شاید به همین دلیل برای مخاطب قابل لمس‌تر و ماندگارتر شود.

در گسترش ترجمه و فروش حقوق آثار اهمیت ویژه‌ای داشته باشد. جمهوری چک در این دوره مهمان ویژه نمایشگاه کتاب فرانکفورت بود و با شعار «سرزمینی در کرانه دریا» (A Country on the Coast) به معرفی ادبیات، نویسندگان و فرهنگ خود پرداخت؛ شعاری که با الهام از نمایش‌نامه «داستان زمستانی» ویلیام شکسپیر، بر قدرت تخیل و امکان عبور ادبیات از مرزهای جغرافیایی تأکید دارد. در این دوره، ۷۵ نویسندهٔ جمهوری چک در برنامه‌های نمایشگاه حضور داشتند و غرفه ویژه این کشور با بهره‌گیری از طراحی تعاملی و فناوری‌های نو، فضایی برای آشنایی مخاطبان با ادبیات و چشم‌اندازهای فرهنگی آن ایجاد کرد. در بخشی از این برنامه‌ها، هوش مصنوعی امکان تجربه و بازآفرینی عناصر ادبی را فراهم می‌کرد و یک ربات نیز در برنامه‌ای نمایشی به طراحی کمیک می‌پرداخت. حضور جمهوری چک به‌عنوان مهمان ویژه، تنها به معرفی کتاب‌ها و نویسندگان محدود نبود، بلکه بخشی از راهبرد فرهنگی این کشور برای گسترش ترجمه آثار، توسعهٔ ارتباط با ناشران خارجی و افزایش حضور ادبیات چک در بازارهای بین‌المللی به‌شمار می‌رفت.

معاملات نشر

نمایشگاه فرانکفورت هم‌چنان یکی از مهم‌ترین مراکز مذاکره دربارهٔ خرید و فروش حقوق آثار ادبی و علمی است. در این رویداد، ناشران تنها به معرفی کتاب‌های خود بسنده نمی‌کنند، بلکه دربارهٔ خرید حق ترجمه، انتشار آثار در کشورهای دیگر و همکاری با آژانس‌های ادبی و ناشران بین‌المللی مذاکره می‌کنند. براساس آمار منتشرشده از سوی برگزارکنندگان، در دو مرکز مهم معاملات حقوق نشر، یعنی مرکز آژانس‌های ادبی و نمایندگان حقوق نشر (LitAg) و مرکز حقوق ناشران (PRC) در مجموع ۵۸۲ مین به فعالان این حوزه اختصاص داشت. در بخش آژانس‌های ادبی نیز ۳۱۹ آژانس از ۳۲ کشور حضور داشتند. اهمیت این بخش برای ناشران ایرانی به آن دلیل است که حضور در بازار بین‌المللی می‌تواند امکان آشنایی با آثار تازه، خرید حقوق ترجمه کتاب‌های خارجی و عرضه حقوق آثار فارسی به ناشران دیگر کشورها را فراهم کند. با این‌حال، بهره‌گیری از این فرصت‌ها به حضور مستمر، برنامه‌ریزی برای مذاکرات و پیگیری توافقات پس از پایان نمایشگاه نیاز دارد.

سرحال بوده است؛ به‌خصوص در فاصله میان برداشت‌ها.

پشت نقاب والتر جونior

همین تصویر از پشت صحنه، حالا با خبر مرگ میته معنای دیگری پیدا کرده است. «بریکینگ بد» در طول سال‌های پخش خود بارها درباره فروپاشی اخلاقی، انتخاب‌های دشوار و پیامد تصمیم‌های انسان‌ها حرف زد، اما برای بازیگران جوانی مانند میته، این مجموعه در عین‌حال بخشی از دوران شکل‌گیری زندگی حرفه‌ای‌شان بود. میته ۱۴ ساله وارد پروژه شد و در سال‌های بعد، همراه با مجموعه‌ای که به یکی از بهترین سریال‌های تلویزیونی قرن بیست‌ویکم تبدیل شد، بزرگ شد.

او پس از پایان سریال نیز تلاش کرد در نقش‌های دیگری ظاهر شود و فعالیت‌های اجتماعی خود را ادامه دهد. با این‌حال، والتر وایت جوینیور همچنان شناخته‌شده‌ترین شخصیت کارنامه او باقی ماند؛ پسری که در بخش زیادی از داستان، در برابر تغییر تدریجی پدرش قرار می‌گرفت و یکی از آخرین پیوندهای والتر وایت با زندگی پیش از ورود به جهان جنایت بود. درگذشت میته در ۳۴سالگی، پایان زود هنگام زندگی بازیگری است که از نوجوانی وارد یکی از مهم‌ترین پروژه‌های تلویزیونی زمان خود شد و در بزرگسالی تلاش کرد شهرتش را به موضوعی فراتر از بازیگری پیوند بزند. واکنش‌های کرنتستون، پال و نوریس نیز نشان داد که رابطه او با گروه «بریکینگ بد» با پایان سریال در سال ۲۰۱۳ تمام نشده بود. برایان کرنتستون در پایان پیام خود، مخاطبانی را که با افکار خودکشی دست‌وپنجه نرم می‌کنند به دریافت کمک حرفه‌ای و تماس با خط بحران ۹۸۸ در آمریکا دعوت و تأکید کرد که هنوز امید وجود دارد.

مرگ آر. جی. میته برای طرفداران «بریکینگ بد» یادآور چهره‌ای است که سال‌ها پیش در قامت نوجوانی روی صفحه تلویزیون ظاهر شد و در یکی از پرطرفدارترین سریال‌های تاریخ، نقش پسری را بازی کرد که بیش از هر چیز می‌خواست پدرش همان پدری بماند که پیش از ورود به دنیای والتر وایت می‌شناخت. برای همکارانش اما میته فقط والتر وایت جوینیور نبود؛ همان‌طور که دین نوریس گفت، او «جوانی دوست‌داشتنی» بود که نبودنش به‌شدت احساس خواهد شد.



بیان، هوش مصنوعی، اطلاعات نادرست و بحران اقلیمی را بررسی کرد. در این برنامه، نویسندگان، پژوهش‌گران، روزنامه‌نگاران و فعالان فرهنگی دربارهٔ نقش ادبیات و رسانه در مواجهه با تحولات اجتماعی و سیاسی به گفت‌وگو پرداختند. جیل لپور، تاریخ‌نگار و نویسندهٔ آمریکایی، در نشست افتتاحیه نمایشگاه نسبت به تمرکز قدرت در دست شمار محدودی از صاحبان نفوذ هشدار داد. در همین مراسم، بر اهمیت آزادی انتشار و نقش کتاب در حفظ تنوع دیدگاه‌ها تأکید شد. گلن میکالف، کمیسر اروپایی امور نسل‌ها، جوانان، فرهنگ و ورزش نیز در سخنانی دربارهٔ تأثیر هوش مصنوعی بر نشر، بر ضرورت حفظ نقش انسان در تولید و جان‌بخشیدن به محتوا تأکید کرد. این دیدگاه، یکی از پرسش‌های اصلی صنعت نشر در سال‌های پیش رو را برجسته می‌کند: در شرایطی که فناوری می‌تواند حجم بسیار زیادی از متن تولید کند، اعتبار، اصالت و ارزش انسانی آثار چگونه حفظ خواهد شد؟

چک، مهمان ویژه نمایشگاه

برنامهٔ مهمان ویژه هر سال فرصتی فراهم می‌کند تا یک کشور از طریق نشست‌های ادبی، معرفی نویسندگان، برنامه‌های فرهنگی و مذاکره با ناشران و آژانس‌های ادبی، تصویری گسترده‌تر از ظرفیت‌های فرهنگی خود ارائه کند؛ ظرفیتی که برای کشورهایی با بازار زبانی محدودتر، می‌تواند

نمونه‌ای از فعالیت ناشران ایرانی در بخش تخصصی نمایشگاه است؛ بخشی که در آن، گفت‌وگوهای حرفه‌ای دربارهٔ حق ترجمه و انتشار می‌تواند زمینه ورود آثار جدید به بازار کتاب ایران را فراهم کند. پیگیری این مذاکرات و تبدیل توافقاتی اولیه به قراردادهای روشن و قابل اجرا، مرحلهٔ مهم بعدی چنین همکاری‌هایی است.

هوش مصنوعی و آیندهٔ نشر

هوش مصنوعی یکی از موضوعات محوری هفتادوهشتمین نمایشگاه کتاب فرانکفورت بود. این فناوری در سال‌های اخیر به یکی از مهم‌ترین مسائل صنعت نشر تبدیل شده است؛ از استفاده در ترجمه، ویرایش و تولید محتوا تا تغییر شیوهٔ جست‌وجوی اطلاعات، توزیع کتاب و ارتباط ناشران با مخاطبان. در نشست‌های تخصصی نمایشگاه، موضوعاتی مانند اعتبارسنجی محتوای تولیدشده با هوش مصنوعی، تشخیص اطلاعات نادرست، ملاحظات اخلاقی، حقوق مؤلفان و مسئولیت ناشران در برابر محتوای منتشرشده مورد توجه قرار گرفت. این مباحث نشان می‌دهد مسئلهٔ هوش مصنوعی در صنعت نشر صرفاً به کاهش هزینه‌ها یا افزایش سرعت تولید محدود نیست و موضوع مالکیت فکری و جایگاه خلاقیت انسانی نیز در مرکز بحث قرار دارد.

برنامهٔ «فرانکفورت کالینگ» نیز در مجموعه‌ای از نشست‌ها، موضوعاتی چون دموکراسی، حقوق بشر، آزادی

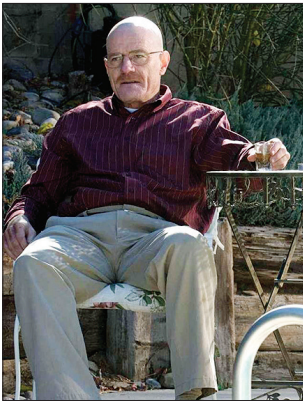
زندگی با معلولیت، به بخشی از فعالیت حرفه‌ای و اجتماعی‌اش تبدیل شد. کرنتستون معتقد بود میته از شهری که با این سریال به‌دست آورده بود، استفاده کرد تا درباره حضور بازیگران دارای معلولیت در صنعت سرگرمی صحبت کند و در فعالیت‌های بشردوستانه نیز نقش داشته باشد.

پسر دوست‌داشتنی

اما بخش پایانی پیام کرنتستون، حال‌وهوای دیگری داشت. او با اشاره به اینکه مرگ میته بر اثر خودکشی بوده، نوشت این خبر برایش ویران‌کننده است؛ زیرا تنها چند هفته پیش با میته در تماس بوده و حتی درباره پیدا کردن زمانی برای ناهار با یکدیگر صحبت کرده بودند.

کرنتستون نوشت که نمی‌داند آن دیدار می‌توانست چیزی را تغییر دهد یا نه اما می‌داند که میته را دوست داشته و از سال‌هایی که در «بریکینگ بد» در کنار او بوده و همچنین از رابطه‌شان پس از پایان سریال لذت برده است. او در پایان با جمله‌ای کوتاه و شخصی نوشت: «دلم برایت تنگ می‌شود، پسرم». آرون پال، بازیگر نقش جسی پینکمن، نیز در واکنش به مرگ میته از اندوه خود گفت. او در بیانیه‌ای که در اختیار «هالیوود ریپورتر» قرار داد، نوشت که نمی‌داند چه باید بگوید و از شنیدن این خبر قلبش شکسته است. پال خطاب به میته نوشت: «آر. جی، دوستت دارم رفیق. دلم برایت تنگ خواهد شد».

پال در ادامه از مخاطبان خواست اگر در شرایط دشواری قرار دارند، بدانند که تنها نیستند و برای دیگران اهمیت





تأیید کاهش سرعت اینترنت

دولت کاهش سرعت را تأیید کرد؛ وزارت ارتباطات پیش‌تر از پیامدهای امنیتی و اقتصادی قطع اینترنت گفته بود



فائزه مومنی

گروه اجتماعی

دولت کاهش عمدی سرعت اینترنت را تأیید کرده است؛ چهار ماه پس از آنکه وزیر ارتباطات در نخستین نشست خبری خود، تصور تأمین امنیت با قطع اینترنت را زیر سوال برد و هشدار داد، طولانی شدن محدودیت‌ها می‌تواند، شبکه داخلی را آسیب‌پذیرتر کند اکنون سخنگوی دولت، کاهش سرعت را اقدامی برای حفاظت از دارایی‌های کشور می‌خواند و معاون وزیر ارتباطات نیز احتمال قطع دوباره اینترنت در صورت جنگ یا ناآرامی را مطرح کرده است. فاطمه مهاجرانی روز سه‌شنبه ۲۱ مهر در پاسخ به پرسشی درباره اختلال و ناپایداری اینترنت گفت، کشور هنوز به صلح پایدار نرسیده و خطر حملات سایبری ادامه دارد. او افزود دستگاه‌های متولی با توجه به اهمیت پایگاه‌های داده و خدمات اینترنتی، گاهی ناچار به کاهش سرعت می‌شوند. مهاجرانی تأکید کرد، دولت این اقدام را انکار نمی‌کند و آن را در راستای حفاظت از دارایی‌های کشور می‌داند. اظهارات او در همان روزی منتشر شد که دبیر شورای عالی فضای مجازی از توانایی مقابله با استارلینک سخن گفت و تصمیم‌گیری درباره اینترنت بین‌الملل را مرتبط با نهاد‌های مختلف دانست.

وزیر در خرداد چه گفته بود؟

ستار هاشمی در نشست خبری ۱۹ خرداد، در پاسخ به پرسشی درباره ملاحظات امنیتی بازگشایی اینترنت، گفته بود در دوره قطع اینترنت نیز مسئولان عالی‌رتبه کشور هدف حمله قرار گرفتند؛ از این‌رو تصور

شهر

هزاران درخت خشک

اعضای شورای شهر از شهرداری خواستند درباره سرنوشت درختان پاسخ دهد

گروه اجتماعی: خشک شدن و قطع هزاران درخت در بوستان‌های جنگلی چیتگر و سرخه‌حصار، بار دیگر اعتراض اعضای شورای شهر تهران را برانگیخته است. مهدی عباسی، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورا، می‌گوید بارها برای تأمین آب و نجات درختان از مدیران شهرداری کمک خواسته است. مهدی اقراریان، عضو دیگر شورا، نیز از مسئولان مدیریت شهری خواسته درباره اقدامات پنج سال گذشته خود برای حفاظت از این بوستان‌ها پاسخ دهند. این اعتراض‌ها درحالی مطرح می‌شود که دادستان تهران برای خروج درختان خشکیده چیتگر و کاشت نهال‌های جایگزین مهلت ۶ ماهه تعیین کرده است. همزمان، معاون سازمان بوستان‌ها و فضای سبز شهرداری از برآورد اولیه خشکیدگی کامل ۴۱ درصد درختان چیتگر و قرار گرفتن ۲۸ درصد دیگر در معرض خشکیدگی خبر داده؛ آسامری که وضعیت یکی از بزرگ‌ترین پهنه‌های سبز غرب تهران را دوباره در مرکز توجه قرار داده است.

«دست‌تان را می‌بوسم، به داد درختان برسید»

عباسی در صحن علنی شورا با انتقاد از روند رسیدگی به درختان، گفت بارها خطر خشک شدن آنها را به مدیران گوشزد کرده و حتی برای اقدام فوری به خواهش متوسل شده است. او تأکید کرد که شهردار منطقه باید به‌طور مستمر نگران وضعیت درختان باشد و افزود اگر چنین توجهی وجود داشت، نیازی به جلسات متعدد و پیگیری‌های تلفنی در دو سال گذشته نبود. اقراریان نیز با اشاره به قطع هزاران درخت در چیتگر، سرخه‌حصار و دیگر نقاط تهران گفت، موضوع اصلی حفاظت از درختان است نه بحث درباره عنوان باغ یا غیرباغ. او از مدیران شهرداری خواست، توضیح دهند در مدت مسئولیت خود برای نگهداری این عرصه‌ها چه کرده‌اند و نتیجه اقدامات‌شان چه بوده است. به گفته اقراریان، موضوع سرنوشت چوب درختان قطع شده و عملکرد پیمانکاران نیز باید بررسی شود اما مدیران نمی‌توانند پس از وقوع خسارت، مسئولیت را از خود سلب کنند.

درختان خشکیده و درختان در معرض خشکیدگی

نقی شعبانیان، معاون سازمان بوستان‌ها و فضای سبز تهران، در گفت‌وگو با ایسنا گفته است، برآوردهای اولیه بر پایه تصاویر ماهواره‌ای نشان می‌دهد حدود ۴۱ درصد درختان چیتگر کاملاً خشک شده‌اند و ۲۸ درصد دیگر در معرض خشک شدن قرار دارند. او تأکید کرده که این آمار هنوز قطعی نیست. در برخی

به گفته شعبانیان برای نگهداری آنها برنامه مستمر تنک کردن، اصلاح ترکیب گونه‌ها و رسیدگی به آب و خاک لازم بوده است. شعبانیان گفته، نگهداری جنگل‌کاری در سال‌های گذشته بیش از اندازه به آبیاری و قراردادهای نگهداشت محدود شده است. او غلبه گونه‌هایی مانند کاج و سرو و کمبود تنوع را نیز از عوامل آسیب‌پذیری در برابر آفات و بیماری‌ها می‌داند. در گزارش‌های مربوط به دو بوستان، سوسک پوست‌خوار از آفات مؤثر در خشکیدگی معرفی شده است. مسئولان منابع طبیعی و شهرداری، قطع و خروج درختان خشک و آلوده را بخشی از عملیات جلوگیری از گسترش آفت عنوان کرده‌اند.

امانی از تغییر قرارداده‌ا و کاهش اختیار مناطق می‌گوید

امانی در تذکر اخیر خود علاوه بر وضعیت بوستان‌های جنگلی به تغییرات مدیریت فضای سبز سراسر تهران پرداخته است. به گفته او، اختیار استفاده از مشاور آب و اقدام مستقل برای لوله‌گذاری از مناطق گرفته شده و تمرکز این امور در سازمان بوستان‌ها، سرعت رسیدگی و احیای چادها را کاهش داده است. این عضو شورا همچنین گفته، حجمی شدن قراردادهای نگهداری به کاهش نیروی انسانی پیمانکاران انجامیده است. او از ادغام قراردادهای نگهداشت و بازپیرایی، حذف برخی پیمان‌ها و پرداخت نشدن بخشی از مطالبات پیمانکاران انتقاد کرده است. امانی هشدار داده، ادامه این روند ممکن است وضعیت چیتگر و سرخه‌حصار را در مناطق دیگر تکرار کند و از علیرضا زاکانی، شهردار تهران، خواسته برای تصمیم‌گیری در حوزه فضای سبز از مدیران باتجربه و نظر مسئولان مناطق استفاده کند.

مهلت دادستانی و برنامه ۱۰ ساله احیا

علی صالحی، دادستان تهران، در بازدید از چیتگر، علت خشک شدن ۳۵ هزار درخت را از مسئولان پرسیده و گفته است علاوه بر خشکسالی و کم‌آبی، کم‌کاری و ضعف نظارت نیز در این وضعیت تأثیر داشته است. او برای خروج درختان خشکیده و کاشت نهال‌های جدید مهلت ۶ ماهه تعیین کرده و گفته در صورت احراز ترک فعل یا سهل‌انگاری، برخورد خواهد شد. شعبانیان نیز از کاشت ۲۸ هزار نهال در سال گذشته و برگزاری مناقصه برای کاشت ۳۰ هزار نهال دیگر در چیتگر خبر داده است. به گفته او برای جنگل‌کاری‌های تهران طرح‌های فنی و پرورشی ۱۰ ساله تهیه می‌شود که محل، گونه، زمان و فاصله کاشت و برنامه آبیاری را مشخص می‌کنند. او تأکید کرده، احیای چیتگر در یک سال انجام‌شدنی نیست. در برنامه اعلام شده، توسعه شبکه آبرسانی، اصلاح شیوه آبیاری و حفاظت از درختان باقی‌مانده در دستورکار قرار دارد. چمران نیز گفته، مسئولان مربوط برای ارائه گزارش وضعیت چیتگر به شورا دعوت خواهند شد.

خسارتی که وزارت ارتباطات اعلام کرده است

هاشمی در مردادماه، در گفت‌وگو با ایرنا، از بیش از ۶۷ هزار میلیارد تومان خسارت مستقیم و کاهش درآمد حوزه فناوری اطلاعات و اقتصاد دیجیتال بر اثر قطعی اینترنت در جریان جنگ تا اواسط اردیبهشت خبر داده بود. به گفته او این برآورد تمام پیامدها، از جمله از دست رفتن فرصت سرمایه‌گذاری، کاهش اعتماد و آثار انسانی و علمی را در بر نمی‌گیرد. وزیر گفته بود از دست دادن مشتری، مهاجرت نیروی متخصص یا انصراف سرمایه‌گذار با پرداخت پول به‌طور کامل جبران نمی‌شود. پیمایش تازه مرکز افکار‌سنجی ملت، وابسته به مرکز پژوهش‌های مجلس، نیز بخشی از تجربه خانوارها را ثبت کرده است. بر اساس گزارش منتشر شده از این پژوهش در میان ۶۰۰ پاسخ‌دهنده‌ای که درآمد خود یا سرپرست خانوارشان به اینترنت وابسته بوده ۵۰/۵ درصد کاهش درآمد و ۹/۶ درصد از دست دادن شغل را پس از قطعی اخیر گزارش کرده‌اند. این پیمایش با مصاحبه تلفنی با ۱۱۰۰ نفر از افراد ۱۵ سال به بالا از ۲۱ تیر تا چهارم مرداد انجام شده است. مجموع افراد دارای رضایت کم یا فاقد رضایت از عملکرد دولت در بهبود اینترنت، ۷/۱ درصد بوده و رفع فیلترینگ در صدر اولویت‌های اعلام‌شده، قرار گرفته است.

کندی شبکه و محدودیت عمدی

وزیر ارتباطات در گفت‌وگوی که ۱۹ مهر منتشر شد، ضعف شبکه ثابت و تمرکز مصرف بر اینترنت همراه را از عوامل افت کیفیت معرفی کرده بود. به گفته او حدود یک‌چهارم ترافیک کشور روی شبکه ثابت است و فشار بر شبکه همراه در برخی مقاطع به اشباع آن می‌انجامد. هاشمی همچنین گفته بود، اختلال‌های فرانکسی ایجاد شده در شرایط بحرانی برای جلوگیری از سوء استفاده دشمن بر کیفیت ارتباطات همراه اثر می‌گذارند. تحریم، دشواری تأمین تجهیزات و موانع توسعه دکل‌ها نیز از عوامل دیگری بود که او برشمرد. دو روز بعد، سخنگوی دولت کاهش سرعت به دلایل حفاظتی را تأیید کرد. در فاصله این اظهارات، وزارت ارتباطات از توسعه فیبرنوری و ارتقای شبکه همراه سخن می‌گوید، معاون وزیر احتمال قطع دوباره را مطرح می‌کند و دولت بر ادامه تهدیدهای امنیتی تأکید دارد. هاشمی در نشست خرداد، پرسش پرتکرار فعالان اقتصاد دیجیتال را چنین نقل کرده بود: «اینترنت تا چه زمانی وصل خواهد ماند؟»

حاشیه

روایت تازه از هستی

منبع آگاه از شکایت مهدوی‌فر درباره تعرض در متروی توکیو خبر داد



اعتراض هستی مهدوی‌فر به سفیر ژاپن در تهران با انتشار توضیحات یک منبع مطلع درباره سفر این بازیگر، ابعاد تازه‌ای پیدا کرده است. ایسنا به نقل از این منبع گزارش داده که مهدوی‌فر در سفر شهریور ۱۴۰۳ به ژاپن مجاز از حضور در یک جشنواره فیلم از تعرض در متروی توکیو شکایت کرده است. به گفته این منبع مهدوی‌فر پس از اتفاق مورد شکایت به پلیس مراجعه کرده اما پیگیری پرونده، اقامت او را طولانی کرده و مدت حضورش از زمان مجاز فراتر رفته است. سفارت ایران برای فراهم کردن زمینه خروج او، وارد موضوع شده و شکایت‌های این بازیگر در اداره حمایت‌های کنسولی وزارت امور خارجه نیز پیگیری شده است.

این توضیحات پس از انتشار ویدئویی مطرح می‌شود که مهدوی‌فر در آن، خطاب به تسوکادا تاماکی، سفیر ژاپن، از دو سال پیگیری بی‌نتیجه سخن گفته بود. او با انتقاد از اجرهای موسیقی سفیر در روزهای پایان مأموریتش، خواستار پاسخگویی شد و تجربه خود را به ماجرای لوسی بلکمن، زن بریتانیایی جان‌باخته در ژاپن، تشبیه کرد. اشاره‌های کنایی این بازیگر به چمدان و سوغات، برداشت‌هایی درباره رابطه شخصی او با سفیر ایجاد کرد؛ برداشت‌هایی که مهدوی‌فر رد کرد و گفت هرگز این دیپلمات را از نزدیک ندیده است. اعتراض او متوجه نحوه پاسخگویی و رسیدگی به موضوع بود، نه ادعای ارتکاب تعرض از سوی سفیر.

منبع مورد استناد ایسنا همچنین گفته است درخواست سفر دوباره مهدوی‌فر به ژاپن با مشکلات ناشی از شرایط عملیات‌های نظامی و اختلاف در گفت‌وگو با بخش کنسولی ژاپن در تهران مواجه شده است. این منبع تأکید کرده که در بررسی‌های انجام‌شده، تاکنون تخلف مشهودی از سفیر یا سفارت ژاپن مشاهده نشده است. در این روایت، توضیحی درباره نتیجه شکایت نزد پلیس ژاپن ارائه نشده؛ موضوعی که برای روشن شدن سرنوشت پرونده و پاسخ به اعتراض مهدوی‌فر اهمیت دارد.

